

دستور جهانی چامسکی

Chomsky's Universal Grammar: An Introduction, Vivian James Cook,
Mark Newson, Wiley-Blackwell, 2007, 336 pages.

شجاع تفکری رضایی^۱

چکیده

انتشارات بلکول در سال ۲۰۰۷ اقدام به انتشار ویراست سوم کتاب مقدمه‌ای بر دستور جهانی چامسکی^۲ به قلم ویویان جیمز کوک و مارک نیوسن در ۳۳۶ صفحه کرده است. ویویان جیمز کوک استاد تمام زبان‌شناسی کاربردی در دانشگاه نیوکاسل در بریتانیا است. کوک در طول حیات علمی خود درباره موضوعات متنوعی همچون دوزبانگی^۳، انگلیسی به عنوان زبان خارجی، اکتساب زبان اول، آموزش زبان دوم، نظام نوشتاری زبان انگلیسی و زبان‌شناسی تحقیقاتی انجام داده است. عمده شهرت او به خاطر تحقیقاتش در زمینه یادگیری زبان دوم و طرح مسئله چندتوانشی^۴ است. انتشار بالغ بر صد مقاله و بیست کتاب حاصل تلاش ایشان تاکنون بوده است. از جمله کتاب‌های کوک می‌توان *آهنگ فعال*^۵ (۱۹۶۸)، *انگلیسی واقعی*^۶ (۱۹۶۸)، *استفاده از آهنگ*^۷ (۱۹۷۹)، *انگلیسی برای زندگی*^۸ (۱۹۸۰)، *زبان و شناخت دوزبانگی*^۹ (۲۰۱۰) را نام برد. او همچنین در سال ۱۹۸۹ انجمن اروپایی اکتساب زبان دوم^{۱۰} را تأسیس کرد. مارک نیوسن دانشیار گروه زبان انگلیسی در دانشگاه اودوس لوراند در بوداپست مجارستان است.

۱. استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه.

2. Chomsky's Universal Grammar; An Introduction
3. Diglossia
4. Multi-Competence
5. Active Intonation
6. Realistic English
7. Using Intonation
8. English for Life
9. Language and Bilingual Cognition.
10. EuroSLA

معرفی و تحلیل درونی اثر

کتاب مذکور در ۳۲۶ صفحه ذیل فصول هشت‌گانه طبیعت دستور جهانی، اصول و پارامترها و اکتساب زبان، ساختار در الگوی حاکمیت و مرجع‌گزینی، حرکت در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، رویکردهای چامسکی به اکتساب زبان، اکتساب زبان دوم و دستور جهانی، ساختار در برنامه کمینه‌گرا^۱ و حرکت در برنامه کمینه‌گرا نگاشته شده است.

در فصل اول (صص ۱-۲۷) برخی از مسائل کلی و مفاهیم ارائه شده توسط چامسکی در زمینه دستور جهانی معرفی شده است. به این صورت که ابتدا مراحل مختلف موجود در گسترش دستور جهانی چامسکی از قرار دستور گشتاری زایشی (۱۹۵۷)، جنبه‌ها و نظریه استاندارد (۱۹۶۵)، نظریه استاندارد بسط‌یافته (۱۹۷۰)، نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی (۱۹۸۱) و برنامه کمینه‌گرا (۱۹۹۳) همراه با مقاله‌ها و کتاب‌های بنیادی هر یک از این مراحل ذکر شده است. نقش زبان در ایجاد ارتباط بین آوا و معنی، مفهوم نظام محاسباتی^۲، زبان درونی در برابر زبان بیرونی، توانش، کنش و توانش کاربردی از نقطه‌نظر چامسکی شرح داده شده است. چپستی عناصر تشکیل‌دهنده زبان، چگونگی اکتساب و به کار رفتن این دانش از طرف سخنگویان و سازوکار فیزیولوژیکی و جسمانی این دانش به عنوان سوال‌های اساسی دستور زایشی از همان مراحل ابتدایی‌اش نیز در این فصل بررسی شده‌اند. انتهای این فصل به بحث پیرامون جهانی‌های زبانی و شواهد مبنی بر وجود این جهانی‌ها اختصاص یافته و بیان شده که منظور از ویژگی‌های جهانی یکسری اصول است که در تمام زبان‌ها جاری و ساری است و خود بخشی از ساختار ذاتی ذهن انسان بوده، در نتیجه سخنگویان نیازی به فراگیری آنها ندارند.

فصل دوم (صص ۶۰-۲۸) عمدتاً به شرح مفاهیم بنیادی اصول و پارامترها و چگونگی آمیختگی این مفاهیم با نظرات رایج در زمینه اکتساب زبان اختصاص یافته است. مؤلفان در این فصل پس از تعریف ساختار گروه، قواعد بازنویسی، واژگان، نمودار درختی و قواعد حرکت به عنوان سازوکاری برای جبران ناکافی بودن قواعد بازنویسی برای توصیف ساختار زبان‌های طبیعی، اصول را به صورت یک سری شرایط کلی که لزوماً در تمام زبان‌های طبیعی جاری و ساری هستند تعریف کرده و به عنوان نمونه‌ای از این اصول اصل موضعی بودن را ارائه می‌دهند. این اصل شرطی است که در بطن تمام فرایندهای زبانی وجود دارد و حوزه عمل فرایندها را

1. Minimalist Program
2. computational system

بخش خاصی از جمله محدود می‌کند. پارامترها نیز به عنوان راه‌کارهایی برای تبیین تنوعات ساختاری موجود در زبان‌های مختلف شرح داده شده‌اند. قوهٔ زبانی و سطوح کفایت نظریه‌های زبانی نیز از جمله مباحث مطرح شده در این فصل هستند. قوهٔ زبانی همان جایی است که دانش زبانی فرد در آنجا ذخیره شده و در تمام افراد بشر یکسان و خاص نوع بشر است. علاوه بر این قوهٔ مذکور هم در ماهیت و هم در خصوصیات عملکردی جدای از تمام قوه‌های دیگر موجود در ذهن است. کفایت مشاهده‌ای، کفایت توصیف و کفایت تبیینی سه سطح برای ارزیابی نظریه‌های زبانی در این بخش از کتاب به شرح توضیح داده شده‌اند: کفایت توضیحی ابتدایی‌ترین سطح است که نظریه‌های حاوی آن قادر خواهند بود قضاوت‌هایی در مورد دستوری یا غیردستوری بودن داده‌های زبانی به دست بدهند. دومین سطح کفایت، کفایت توصیفی است. طبق گفتهٔ نویسندگان نظریه‌ای حائز این مرتبه از کفایت است که بتواند توانش زبانی سخنگویان یک زبان را به درستی توصیف کند. بالاترین سطح کفایت یک نظریه کفایت تبیینی است. نظریه‌ای که بتواند چگونگی اکتساب این توانش را تبیین کند درواقع به این سطح از کفایت نائل آمده است. در انتهای این فصل نیز نقش دستور جهانی که به صورت اصول و پارامترها در ذهن ذخیره شده در امر اکتساب زبان اول از طریق ارزش‌دهی به پارامترها و تشکیل دستور مرکزی و سرانجام دادن شکل یک زبان خاص به دستور جهانی مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است.

در فصل‌های سوم (صص ۱۲۰-۶۱) و چهارم (صص ۱۸۴-۱۲۱) به بحث پیرامون حوزه‌های مختلف موجود در نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی و پدیده‌هایی که از طریق این حوزه‌های متنوع توصیف می‌شوند، پرداخته شده است. در فصل سوم آن دسته از حوزه‌هایی که از نظر مؤلفان به سطح زیرساخت مربوط می‌شوند یعنی نظریهٔ ایکس تیره، نظریهٔ حالت، اصل فرافکنی، نظریهٔ تتا، نظریهٔ کنترل، قضیهٔ ضمیر مستتر^۱ ارائه شده‌اند. نظریهٔ ایکس تیره حوزه‌ای از دستور است که به ساختار گروه‌های نحوی مختلف مربوط می‌شود، به طوری که این نظریه یک ساخت صوری یکسان را به تمام گروه‌های نحوی فارغ از اینکه محتوای واژگانی‌شان چه چیزی باشد، اطلاق می‌کند. در این فصل شکل‌ها جدیدتر و گسترش‌هایی که در این نظریه رخ داده از قبیل CP, IP و فرضیهٔ گروه تصریف گسسته و پوسته‌های فعلی نیز معرفی شده‌اند. نظریهٔ حالت حوزه‌ای از دستور است که توزیع گروه‌های اسمی را در درون جمله مشخص می‌کند. صافی‌ای که بر این عمل نظارت می‌کند صافی حالت نام دارد. اصل فرافکنی تضمین کننده بقای اطلاعات واژگانی

در تمام سطوح دستوری است. نظریه‌تتا نیز حوزه‌ای از دستور است که اطلاق درست نقش‌های معنایی از قبیل کنش‌گر، کنش‌پذیر، هدف و غیره را از طریق شرط رابطه‌خواهری بین اعطاکننده و گیرندگان نقش‌های معنایی و با رعایت معیار تتا سازمان‌دهی می‌کند. نظریه‌کنترل نیز مرجع ضمیر مستتر را از نقطه‌نظر اجباری یا اختیاری بودنش مشخص می‌کند. یکی از ویژگی‌هایی که برای این ضمیر مستتر در اینجا بیان شده معروف به قضیه‌ضمیر مستتر است. بر طبق این قضیه این ضمیر فقط و فقط در جایگاه‌هایی که تحت حاکمیت نیستند می‌تواند به کار برود.

فصل چهار عمدتاً به حرکت، حد و حدود حرکت‌ها و همچنین ارتباط حرکت با برخی اصول دیگر در نظریه‌حاکمیت و مرجع‌گزینی می‌پردازد. در این راستا بین سه نوع حرکت تمایز ایجاد می‌شود. این سه نوع حرکت عبارتند از حرکت به جایگاه موضوع، حرکت به جایگاه غیرموضوع و حرکت هسته. برای بیان دامنه حرکت‌ها مفاهیم همجواری و اصل جهش ارائه شده است. بر اساس همجواری هر حرکتی فقط مجاز به عبور از روی تنها یک گره جهش است. گره جهش نیز در زبان‌های مختلف می‌تواند IP، CP یا DP باشد. اصل جهش نیز عبور از روی موانع را ممنوع می‌کند. یکی دیگر از مفاهیمی که برای تعیین حدود حرکت‌ها بیان شده، کمینگی نسبی^۱ است. بر طبق این شرط عنصری که دچار جابجایی شده باید در نزدیک‌ترین جایگاه ممکن فروبیاید. در ادامه این فصل جزئیات دیگری از قبیل صافی حالت، حالت تحت حاکمیت، سازه‌فرمانی، سازه‌فرمانی بیشینه، حالت‌دهی استثنایی، حالت ساختاری و حالت ذاتی در مورد نظریه‌حالت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به همین صورت برخی از اصول فنی‌ای که در فصل سه در مورد اصل مرجع‌گزینی ذکر نشده بودند در بخش آخر این فصل ارائه شده‌اند، این اصول و مفاهیم عبارتند از اصول A، B و C مرجع‌گزینی، حوزه حاکمیت، اصل مقوله‌تهی، پدیده برتری و حرکت نامرئی.

پنجمین فصل (صص ۱۸۵-۲۲۰) کتاب حاضر به رویکرد نشئت گرفته از نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی در مورد اکتساب زبان اول می‌پردازد. از نظر چامسکی اکتساب زبان در واقع فراگیری چیزی از خارج از خود انسان نیست، بلکه آن نوعی گسترش و تبلور دستور جهانی در اثر تجربه ناقص اما حیاتی حاصل از محیط است. دستور جهانی دارای اساس جسمانی و نه روان‌شناختی است. منظور از اساس جسمانی دستور جهانی این است که این دستور بخشی از میراث ژنتیکی گونه بشر است. در این فصل سه مؤلفه برای فراگیری زبان مشخص شده که عبارتند از: فضای

1. relativized minimality

تحقیق، شواهد موردنیاز برای فراگیری زبان و راهبردهای به کار گرفته شده از طرف زبان‌آموز. فضای تحقیق به مسائلی از این دست که اصولاً چه چیزهای توسط زبان‌آموز فراگرفته می‌شود، می‌پردازد. از نظر مؤلفان فرضیات زیربنایی نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی در زمینه فضای تحقیق بسیار راهگشاست. چراکه از نقطه‌نظر این نظریه یادگیری زبان توسط بچه فقط محدود به ارزش‌گذاری پارامترها در یک زبان خاص می‌شود. شواهد زبانی پیش روی زبان‌آموز در امر زبان‌آموزی، رویکردهای زبان‌آموزی دیگر از قبیل تقلید، تدریس مستقیم و تعامل اجتماعی، فرضیه ذاتی‌بودن دستور جهانی، دستور مرکزی و حاشیه‌ای و نظریه نشان‌داری مباحث دیگر این بخش از کتاب را تشکیل می‌دهند.

در فصل شش (۲۴۱-۲۲۱) مفاهیم مربوط به دستور جهانی به حوزه یادگیری زبان دوم بسط داده می‌شود. از نظر نویسندگان با توجه به این واقعیت که تقریباً همه سخنگویان به بیش از یک زبان تکلم می‌کنند، اختصاص و تحدید دستور جهانی به سخنگویان بومی آلمانی یک‌زبانه می‌تواند بسیار گمراه‌کننده باشد. با توجه به واقعیت ذکرشده نویسندگان معتقدند که نظریه دستور جهانی باید چندزبانگی را به صورت یک هنجار در ذهن در نظر بگیرد، به بیانی دیگر باید قائل به وجود چند توانش به صورت هم‌زمان در ذهن بود. در ادامه این فصل مسئله فقر محرک و یادگیری زبان دوم و ذهن چندتوانشی توصیف می‌شود.

فصل‌های هفت (صص ۲۷۰-۲۴۲) و هشت (صص ۳۰۹-۲۷۱) کتاب به معرفی ساختار و برخی از مفاهیم برنامه کمینه‌گرا به عنوان متأخرترین شکل دستور زایشی اختصاص یافته است. از نظر مؤلفان برنامه کمینه‌گرا حاصل بسط و گسترش مفهوم اقتصاد^۱ است که پیشاپیش در دستور حاکمیت و مرجع‌گزینی مطرح شده است. این مفهوم در برنامه کمینه‌گرا به سه شکل *اقتصاد در بازنمایی*، *اقتصاد در اشتقاق* و *اقتصاد در دستور انعکاس* یافته است. نظام محاسباتی، بازنمون^۲ و همگرایی^۳، ادغام^۴، چگونگی اطلاق نقش‌های معنایی در قالب این برنامه و برخی مباحث مرتبط دیگر در فصل هفتم کتاب شرح و بسط داده شده‌اند و سرانجام در فصل هشت کتاب حرکت در قالب برنامه کمینه‌گرا از نقطه‌نظر ساختار، انگیزه، مشخصه‌های تعبیرپذیر و تعبیرناپذیر، نظریه بازبینی و بازنمون چندمرحله‌ای و فازها^۵ مورد بررسی قرار گرفته است.

-
1. economy
 2. spell out
 3. convergence
 4. merge
 5. phases

نقد و بررسی اثر

کوک در کتاب *مقدمه‌ای بر دستور جهانی چامسکی* با توجه به گرایش و تمایل فکری غالبش به مسائل مرتبط با آموزش و یادگیری زبان دوم به نوعی درصدد برقراری یک نوع ارتباط بین دستور جهانی چامسکی از یک طرف و آموزش و یادگیری زبان دوم از طرف دیگر برآمد. کما اینکه در این راستا او رویکرد چندتوانشی در یادگیری زبان دوم یعنی وجود دانش دو یا چند زبان در یک ذهن را مطرح کرد که منظور از آن این است که افرادی که بیش از یک زبان می‌دانند ذهنشان از افرادی که تنها به یک زبان مسلط هستند متفاوت است چراکه تسلط بر دو زبان روشی که افراد از زبان اول استفاده می‌کنند و حتی شیوه تفکر آنها را نیز تغییر می‌دهد. نویسنده کتاب هدف اصلی نگارش آن را در وهله اول ارائه یک طرح کلی از نظریه جهانی چامسکی از دهه ۱۹۶۰ به بعد می‌داند. از آنجا که این نظریه توسط چامسکی در شکل حاکمیت و مرجع‌گزینی نظریه زایشی به منسجم‌ترین شکل ارائه و بیان شده، کوک نیز قسمت عمده کتابش را به معرفی نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی اختصاص داده است. اما با توجه به اینکه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی در سال‌های اخیر در حال واگذارکردن جایگاه خود به شکل جدیدتری از دستور زایشی موسوم به برنامه تحقیقاتی کمینه‌گرا است لذا کوک ضمن معرفی اجمالی برنامه کمینه‌گرا در این ویراست کتاب خود آنهایی از نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی را که ارتباط مستقیمی با برنامه کمینه‌گرا دارد را نیز برجسته‌تر و مفصل‌تر شرح و بسط داده است. کتاب‌های بسیار زیادی در زمینه معرفی نظریه‌های حاکمیت و مرجع‌گزینی و کمینه‌گرا تاکنون به رشته تحریر در آمده است. برخی از این کتاب‌ها عبارتند از ویلوت^۱ (۱۹۹۵)، لزنیک و یوریاگرکا^۲ (۱۹۸۸)، هگمن^۳ (۱۹۹۴)، کارنی^۴ (۲۰۰۲) و کولیکاور^۵ (۱۹۹۷). چنانچه در صدد مقایسه کتاب حاضر با کتاب‌های ذکرشده در بالا بر بیابیم آنچه که بی‌درنگ به چشم می‌آید سطحی‌نگری و وزن کم این کتاب است. طوری که به نظر می‌آید مهم‌ترین دستاورد این کتاب معرفی اجمالی و بدون تحلیل مسائل و مباحث موجود در دستور جهانی و به طور خاص نظریه‌های حاکمیت و مرجع‌گزینی و کمینه‌گرا است. این کتاب به همین میزان نیز طبیعتاً از طیف مخاطب‌های متخصص در این نظریه‌ها از جمله دانشجویان مقاطع

-
1. Webelhuth
 2. Lasnik and Uriagereka
 3. Heageman
 4. carnie
 5. Culicover

مختلف تحصیلات تکمیلی رشته زبان‌شناسی محروم خواهد بود. علاوه بر اینکه کتاب موردنظر نتوانسته به یک توصیف قابل قبول در زمینه مباحث بنیادی دستور حاکمیت و مرجع‌گزینی دست بیاید، در آن هدف دیگر یعنی ایجاد ارتباط منطقی بین مبانی دستور جهانی و نظریه‌های آموزش زبان دوم نیز توفیق چندانی کسب نکرده است. طوری که نه این کتاب نه نیازهای یک زبان‌شناس و نه انتظارات متخصصین حوزه آموزش زبان را در زمینه ایجاد ارتباط بین دستور جهانی و حوزه مرتبط آموزش زبان دوم را به طور کامل برآورده می‌کند. از نظر نگارنده علت اصلی این نقصان ریشه در سطحی‌نگری نگارندگان در زمینه هم دستور جهانی و هم ارتباط احتمالی آن با حوزه آموزش زبان دوم است. علی‌رغم این کاستی کتاب موردنظر خلأ بزرگی را در مبحث ارتباط بین نظریات دستور جهانی و آموزش زبان دوم پر کرده است. علت وجود این خلأ پرمخاطره و غیرقطعی بودن هر گونه ارائه نظر در این مورد است. درست به همین دلیل است که نه زبان‌شناسان و نه متخصصان حوزه آموزش زبان دوم عمدتاً تمایلی برای ورود به این مبحث از خود نشان نمی‌دهند.

منابع

- Carnie, A. (2002). *Syntax: A Generative Introduction*. Blackwell Publishing.
- Cook, V. J. and M. Newson (2007). *Chomsky's Universal Grammar: An Introduction*. Blackwell Publishing.
- Culicover, P. W. (1997). *Principle and Parameters: An Introduction to Syntactic Theory*. Oxford University Press.
- Haegeman, L. (1994). *Introduction to Government and Binding Theory*. Blackwell.
- Lasnik, H. and J. Uriagereka (1988). *A Course in GB Syntax: Lectures on Binding and Empty Categories*. The MIT Press.
- Webelhuth, G. (Ed.) (1995). *Government and Binding and the Minimalist Program: Principle and Parameter in Syntactic Theory (Generative Syntax)*.